[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-09-09]

مطالعات تاریخ اسلام
سال چهاردهم، شماره ۵۵، زمستان ۱۴۰۱، مقاله علمی و پژوهشی، صفحات ۳۱-۶۱

20.1001.1.22286713.1401.14.55.5.9

مبانی نقد الحدیثیِ علامه عسکری در روایات تاریخی و سیره

مریم اقبالیان[۱]
مجید معارف[۲]

چکیده: علامه سید مرتضی عسکری از جمله حدیث‌پژوهان برجستهٔ معاصر، به‌ویژه در نقد روایات تاریخی و سیره است. کاوش در تألیفات او نشان از توجه به انواع مبانی در نقد این روایات دارد. در پژوهش حاضر، این مبانی در چهار عنوان «کلامی»، «تاریخی»، «علوم اسلامی» و «ادبی» تبیین شده است. از جمله مبانی کلامی او «مصدریت قرآن و سنت با اولویت قرآن»، «اهتمام همهٔ انبیای الهی در تعیین جانشین»، «مطابقت با سنت معصومان(ع) شرط صحت روایات صحابه» و «تأثیر انحرافات فرقه‌ای» می‌باشد. برخی از مبانی تاریخی وی عبارت است از: «اعتبار قطعّیات تاریخی»؛ «باور به برخی طرح‌های از پیش تعیین‌شدهٔ تاریخ‌ساز»؛ «قطعیّت کتابت حدیث نبوی از عهد پیامبر» و «تأثیر داده‌های فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی تاریخ صدور».

از مبانی علمی «اعتبار علوم تفسیری»، «اعتبار علم رجال»، «اعتبار علم درایه» و «لزوم توجه به قواعد علم نقد الحدیث» مورد توجه وی می‌باشد. از مبانی زبان‌شناختی «تأثیر توجه به معانی لغوی و اصطلاحی»، «تأثیر شواهد درونی و سیاق کلی زبان متن»، «نقش‌آفرینی قرائن بیرونی» و «کارآمدی مباحث بلاغی» اساس نقد الحدیث وی بوده است. هر یک از این مبانی نقش ویژهٔ خود را در ناب‌سازی روایات برعهده داشته و علامه مبتنی بر آنها کاربست روش‌های مناسب نقد احادیث را مدّ نظر قرار داده است.

واژه‌های کلیدی: نقد الحدیث، مبانی نقد الحدیث، روایات تاریخی، روایات سیره، علامه عسکری

شناسه دیجیتال (doi): 10.52547/pte.14.55.5

۱ دکتری علوم قرآن و حدیث، پردیس فارابی دانشگاه تهران، قم، ایران (نویسندهٔ مسئول)
eghbalian_m@ yahoo.com

۲ استاد گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه تهران، تهران، ایران maaref@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۶/۸ تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۱۰/۱۰

[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.55.5.9]
[DOI: 10.52547/pte.14.55.5]

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-09-09]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.55.5.9]

[DOI: 10.52547/pte.14.55.5]

A Quarterly Journal Of HISTORICAL STUDIES OF ISLAM
Vol 14, No 55, Winter 2023
Research Center for Islamic History, http://journal.pte.ac.ir/
Scientific-Research, pp. 31-61

The Foundations of Hadith Criticism of Allameh Askari in Hadith and Prophetic Biography

Maryam Eghbalian[1]
Majid Maaref[2]

Abstract: "Allameh Seyyed Morteza Askari" is one of the prominent contemporary hadith scholars, especially in terms of criticism of historical hadith and prophetic biography. His writings shows that he pays attention to all kinds of bases in the criticism of them. In the current research, these foundations are explained under four titles, i.e. "theological", "historical", "Islamic Sciences" and "literary". Among his theological foundations are "the authority of the Qur'an and the Sunnah with the priority of the first", "the interest of all divine prophets in determining their successors", "conformity with the Sunnah of the Infallible (PBUH) is a condition for the validity of the hadiths of the companions" and "the influence of sectarian deviations". Some of his historical foundations are: "the validity of historical facts"; "belief in some predetermined plans which makes history"; "the authenticity of prophetic hadith writings from the Prophet's era" and "the influence of cultural, economic and social Data on citation". Among the scientific foundations, "the validity of interpretative sciences", "the validity of biographical evaluation", "the validity of hadith terminology" and "the need to pay attention to the rules of the hadith criticism" are important to him. Among the linguistic foundations, "the effect of paying attention to lexical and idiomatic meanings", "the effect of internal evidence and the general context of the language of the text", "the role of external evidences" and "the effectiveness of rhetorical topics" have been the bases of his hadith criticism. Each of these foundations has its own special role in refinement of hadiths, and Allameh has employed appropriate methods of criticism of hadiths based on them.

Keywords: Foundations, Hadith criticism, historical hadith and prophetic biography, Allameh Askari.

1 PhD in Quran and Hadith, Farabi Campus of Tehran University, Qom, Iran (corresponding author)
eghbalian_m@yahoo.com
2 Professor, Department of Quran and Hadith, University of Tehran, Tehran, Iran maaref@ut.ac.ir
Recive Date 2022/08/30 Accept Date: 2022/12/31

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-09-09]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.55.5.9]

[DOI: 10.52547/pte.14.55.5]

مقدمه

یکی از مؤلفه‌ها در نقد حدیث، «مبانی» مقبول پژوهشگر است. مبانی نقش زیرساخت در امر نقّادی را دارد و شامل انواع گوناگون می‌تواند باشد. تاکنون بسیاری از حدیث‌پژوهان بدون ذکر تعاریف، اصطلاحات و مبانی خود در نقد حدیث (بدون نقد نظری)، تنها به نقد عملی احادیث پرداخته و با توجه به نوع معیارهایی که در فعالیت‌های نقادانهٔ خویش باور داشته‌اند، به تجزیه و تحلیل و قضاوت پرداخته‌اند (ایمانی و دیگران، ۱۳۹۹: ۲۱۹؛ ر.ک. به: سلیمانی، ۱۳۸۵: ۶۶-۶۷؛ مسعودی، ۱۳۸۴: ۱۵). حال آنکه آگاهی از مؤلفه‌های نقد الحدیث مدّ نظر ناقد، از سویی وسعت و عمق تأمل و تلاش وی در کشف حقیقت را آشکار می‌سازد و به دنبال آن پذیرش نتیجه را اطمینان‌بخش می‌کند و از سوی دیگر، هر چه نتیجه موشکافانه‌تر و واقع‌گرایانه‌تر باشد، به دو شکل «مقدمات متقن‌تر و الگوی مبنایی استوارتر» در تحقیقات بعدی مؤثر خواهد بود. بر همین اساس، کشف این مؤلفه‌ها به‌ویژه مبانی ضرورت دارد. برخی از محققان معاصر به منظور طبقه‌بندیِ دقیق‌تر علوم کوشیده‌اند ضمن بازبینی این آثار، به تعیین معیارها و دسته‌بندی‌های جَدیدی در این زمینه دست یابند (ایمانی و دیگران، ۱۳۹۹: ۲۱۹).

علامه سید مرتضی عسکری یکی از حدیث‌پژوهان معاصر است که بیشتر آثار او مبیّن اهتمام وی در پاک‌سازی مصادر حدیثی فریقین و رفع اختلاف بین فِرَق اسلامی است. وی نیز بدون مشخص کردن معیارها و مبانی فکری خود و فَقط با به کارگیری پیش‌فرض‌های مورد قبول خود، به نقد سندی و متنی روایات پرداخته است. بر همین اساس، پژوهش حاضر واکاوی و پاسخ به پرسش‌هایی در زمینهٔ «مبانی نقد الحدیث علامه» در روایات تاریخی و سیره را شامل می‌شود. اینکه انواع مبانی که علامه در نقد احادیث سیره و تاریخ مدّ نظر داشته، کدام بوده است و زیرشاخه‌های آنها چیست؟ چگونگی کاربست هر یک از این مبانی، در ارزیابی احادیث متعارض به چه نحو بوده است؟ نقش مؤلفهٔ «مبنا» در تحقّق اهداف پژوهشی وی در چه حدّ است؟ همگی از مجهولاتی‌اند که در ادامه همراه با ذکر نمونه تبیین شده‌اند.

گفتنی است که در کاوش صورت‌گرفته، اثر پژوهشی مشابه این عنوان و با گستردگی

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-09-09]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.55.5.9]

[DOI: 10.52547/pte.14.55.5]

تحقیق در همهٔ آثار علامه یافت نشد. بنابراین می‌توان این مقاله را بدون سابقه دانست.

۱. مبانی علامه عسکری در نقد احادیث تاریخی و سیره

قبل از پرداختن به مبانی مدّ نظر علامه در امر پژوهش حدیثی، آشنایی اجمالی با معنای واژهٔ «مبنا» و مراد از آن در نقد الحدیث و همچنین ذکر نکته‌های دیگری ضروری می‌نماید. البته برای اختصار برخی از توضیحات در پاورقی آمده[۱] و در ادامه به «تعریف مبانی» و «انواع مبانی نقد الحدیث علامه عسکری در احادیث تاریخ و سیره» پرداخته شده است.

۱-۱. مبانی نقد الحدیث

«مبنا» قواعد و پیش‌فرض‌های پژوهنده است که ابتدای کار بسان یک اصل - خواه دیگران آن را بپذیرند یا نپذیرند- برای خود قرار می‌دهد. مبنا با «اصل» تفاوت دارد؛ زیرا «اصل» قواعد و قوانینی است که یک دانش بر آن استوار است و نزد همه پذیرفته است، اما به‌طور معمول نویسندگان و کتب لغت تفاوت آشکاری بین «اصل» و «مبنا» بیان نکرده‌اند (راد، ۱۳۹۰: ۳۰)؛ چنان‌که برخی حدیث‌پژوهان مقصود از «مبانی نقد» را معیارها و ضوابط شرعی و عقلی مورد اتفاق اکثر محدثان می‌دانند (البیضانی، ۱۴۳۲ق: ۱).

مقصود از «مبانی» در نقد حدیث، پیش‌فرض‌های پذیرفته‌شده‌ای است که براساس آنها نقد ضرورت پیدا می‌کند. البته پیش‌فرض‌ها ممکن است صحیح یا غلط گزینش

---

۱ نقد الحدیث: «نقد» از نظر لغوی به معنای جدا کردن سره از ناسره است(ابن‌فارس، ۱۴۱۱ق: ۴۶۷/۵؛ جوهری، ۱۴۰۷ق: ۵۵۴/۲)؛ نیز به معانی «جدا کردن پول خوب از بد»، «ظاهرکردن عیوب و محاسن کلام و اثر ادبی»، «دینار و درهم» و «در مقابل نسیه» به کار رفته است (دهخدا، ذیل واژه).

«نقد الحدیث» در اصطلاح بررسی صحت و سقم حدیث و یا صدور و عدم صدور آن از معصوم است. این صحت و سقم گاه دربارهٔ سند و گاه دربارهٔ متن است (سلیمانی، ۱۳۸۵: ۵۰). مقصود از دانش «نقد حدیث» بررسی و تحصیل قواعدی است که امکان سنجش متون حدیثی را با آموزه‌های قطعی و مسلّم فراهم کرده است. هدف از نقد حدیث، شناخت متون صحیح و معتبر از متون غیرقابل پذیرش و مجعول است که سبب افزایش یا کاهش اعتماد به متن می‌شود. این دانش از جمله علومی است که درصدد یاری رساندن به دانش «فقه الحدیث» است تا سیره و سنت واقعی معصومان را برای بهره‌گیری در دیگر علوم الهی و انسانی و تحقق بخشیدن آن در زندگی و گفتار و رفتار دینی به عرصه آورد (مسعودی، ۱۳۸۹: ۱۸/۱؛ برای مطالعه بیشتر ر.ک. به: ایمانی و دیگران، ۱۳۹۹ش).

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-09-09]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.55.5.9]

[DOI: 10.52547/pte.14.55.5]

شده باشند. پیش‌فرض صحیح مانند آنکه پژوهشگر بپذیرد احادیث دچار آفت «جعل» یا «تصحیف» شده‌اند. پیش‌فرض‌های غلط مانند اینکه ناقد، مبانی مذهبی یا تعصبات قومی و ملی یا تعصبات کلامی را در نقد حدیث دخالت دهد؛ چنان‌که در صحیح بخاری یا صحیح مسلم، مبتنی بر مسائل سیاسی و تعصبات مذهبی نویسندگانشان، از امام صادق(ع) و امام باقر(ع) - با وجود آنکه هر دو جزو تابعان بوده‌اند- حدیثی نقل نشده است.

پس از شکل‌گیری مبانی نقد حدیث و مبتنی بر آنها، هر محدث روش‌هایی را معین می‌کند و روایات را مورد نقد و ارزیابی قرار می‌دهد.

۱-۲. انواع مبانی علامه عسکری در نقد احادیث تاریخی و سیره

در آثاری که به منظور بسط معیارهای نقد حدیث به رشته تحریر درآمده‌اند، عناوینی چون «نقد زبان‌شناسانه»، «نقد تاریخی»، «بررسی تعارض در متون حدیث»، «بررسی تعارض با اعتقادات ثابته» و «بررسی علل جعل حدیث» دیده می‌شود، بر همین اساس پای علوم دیگری چون کلام و تاریخ اسلام به این مبحث باز می‌شود و راه برای تشخیص احادیث مشخص‌تر می‌شود (ایمانی و دیگران، ۱۳۹۹: ۲۲۰). در بررسی آثار نقد الحدیثی علامه عسکری، مبانی متعددی مشاهده شد. این مبانی در نقد همهٔ احادیث، به‌ویژه روایات تاریخی و سیره پایهٔ انتخاب روش‌های منتخب وی در ناب‌سازی روایات فریقین بوده است. در ادامه، با تقسیم‌بندی انواع مبانی وی در چهار دسته کلی، همراه با ذکر نمونه به تبیین آنها پرداخته شده است.

۱-۲-۱. مبانی کلامی

به آن دسته از باورهای فکری که خاستگاه آن عقل یا نقل معتبر و یا حسن ظن بوده و به ساحت فکر و اندیشهٔ باورمند تعلّق داشته و تأثیر آن در گزینش نوع گفتار و اعمال آشکار می‌گردد، «باورهای کلامی» گفته می‌شود. «باورهای کلامی» در جایی که عقل یا احادیث متواتر معنوی و مستفیض خاستگاه آن باشد، باید قدر متیقّن آن اخذ شود، ولی در جایی که برخاسته از نقل معتبر - قرآن و روایات متواتر لفظی- باشد، می‌توان به اطلاق و عموم آن تمسک کرد (حلی، ۱۴۰۳ق: ۱۵۳). بنابراین از آنجا که خاستگاه مبانی کلامی متفاوت و برخی از آنها غیرمسلّم و خاص (استادی،

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-09-09]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.55.5.9]
[DOI: 10.52547/pte.14.55.5]

۱۳۷۹: ۳۷؛ سنقری حائری، ۱۳۸۱: ۵۹، ۶۸؛ مجتهدی سیستانی، ۱۳۹۳: ۶۵۱) و دارای نگاه خوش‌بینانه‌اند (حسن‌بگی، ۱۳۹۶: ۱۲۳-۱۴۳) و از استحکام لازم برخوردار نیستند، هر باور کلامی نمی‌تواند مبنای نقد و ارزیابی حدیث قرار گیرد. در الگوی پژوهش و ارزیابی احادیث سیره و تاریخ توسط علامه عسکری نیز مبانی کلامی دیده می‌شود. در ادامه، مهم‌ترین مبانی کلامی که از کنکاش در آثار او استخراج شده، همراه با ذکر نمونه تبیین شده است.

۱-۲-۱-۱. مصدریت قرآن و سنت در شناخت اسلام با اولویت قرآن

چنان‌که علامه عسکری خود اذعان داشته، اعتقاد به مصدریت قرآن و سیره و حدیث معصومان(ع) با اولویت رجوع به قرآن و سپس تبیین و تفسیر آن در سنت، یکی از مبانی کلامی وی برای شناخت حقیقت اسلام است. او در اثبات این باور، ابتدا به آیهٔ ۷ سورهٔ «آل عمران» که آیات قرآن را به محکم و متشابه دسته‌بندی کرده، اشاره کرده و علم تأویل آن را مختص «خدا و راسخان در علم» دانسته است. سپس با استفاده از آیه ۴۴ سورهٔ «نحل» گفته است که راه دستیابی به تأویل و تفسیر قرآن -مانند آموزش نماز یومیه- رجوع به سنت نبوی است. راه دستیابی به سنت نبوی نیز منحصر به اهل بیت پیامبر(ص) و صحابه اوست (عسکری، ۱۴۲۶ق: ۱/-۲۰ ۲۱). وی در تأیید این باور کلامی، اشاره کرده که علی‌بن موسی الرضا(ع) در مجلس مباحثه با عالمان مسلمان و یهودی و مسیحی و مجوس در پاسخ به پرسش‌های «علی‌بن جهم» از همین روش استفاده کرده است (عسکری، ۱۴۱۸ق[ب]: ۱۱/-۷۱ ۷۹). برای نمونه، علامه در بررسی روایات «افسانه غرانیق» در مصادر حدیثی مکتب خلفا، پس از نقل روایات متعدد از طبری (طبری، ۱۴۱۲ق: ۱۳۱/۱۷-۱۳۲؛ همو، ۱۹۶۱: ۳۳۸/۲- ۳۳۹) و بسیاری از صحابه، نصوص قرآنی (سورهٔ نجم، آیات ۱۲- ۲۴) را در ردّ متون این روایات آورده و به تحلیل آن پرداخته است. در مورد آیات سورهٔ «حج» که این راویان در ادامهٔ داستان و در تأیید داستان غرانیق آورده‌اند، در کنار شواهد قرآنی، با استفاده از کتاب‌های لغت عرب اثبات کرده که واژهٔ «امنیه» و «تمنّی» به معنی آرزو و تمایل به چیز محبوب است (عسکری، ۱۴۲۵: ۳۰۷/۲-۳۳۱) و در هیچ کتاب لغت عرب و هیچ آیه‌ای از قرآن همانند آنچه که در روایات مصادر مکتب خلفا ذکر شده، این واژه به معنای «قَرأَ» یعنی «خواند» نیامده است (سورهٔ

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-09-09]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.55.5.9]

[DOI: 10.52547/pte.14.55.5]

نجم، آیهٔ ۲۴؛ سورهٔ حج، آیهٔ ۵۲؛ سورهٔ آل عمران، آیهٔ ۱۴۳؛ سورهٔ نساء، آیات ۳۲، ۱۲۳؛ سورهٔ جمعه، آیات ۶، ۷؛ سورهٔ بقره، آیات ۹۴، ۹۵، ۱۱۱). مفسّران مکتب خلفا نیز با استناد به این روایات غیرمعتبر، «امنیه» و «تمنّی» را به «قرائت» یعنی «خواندن» تفسیر کرده و فهم آیات مذکور را بر پژوهندگان بعد از خود دشوار و آشفته کرده‌اند. وی پس از استدلال قرآنی، در پی تفحّص این افسانه در مصادر اهل بیت(ع)، دو نتیجه گرفته است: نخست آنکه از این افسانه در مصادر حدیثی شیعه خبری نیست. دوم، با بررسی روایات مکتب اهل بیت(ع) و با تکیه بر عصمت آنان، حقیقت واقعه را در کتاب *الاصنام* ابن‌کلبی - یکی از شاگردان امام صادق(ع)- می‌یابد (عسکری، ۱۴۲۵: ۲/ ۳۰۷-۳۳۱). وی همچنین روایات ممنوعیت «جواز زیارت قبور انبیا، اولیا و مسلمانان دیگر» را با استناد بر همین مبنا مورد تحلیل و نقد قرار داده است (عسکری، ۱۴۱۸ق[ب]: ۱۲/ ۳۵-۲۳).

۱-۲-۱-۲. عصمت پیامبر اسلام(ص) و امامان شیعه(ع)

علامه با تکیه بر این مبنا، به پژوهش در برخی روایات تاریخی و سیره همت گمارده است. شاهد آنکه وی چندین روایت از عایشه، ابوهریره، جابربن عبدالله، ابن‌عباس و انس‌بن مالک در ردّ عصمت پیامبر(ص) یافته است. مضمون روایات چنین است که پیامبر اسلام(ص) فرمود: «خداوندا، من بشرم و همانند افراد بشر به خشم می‌آیم. پس هر مؤمنی یا مؤمنه‌ای را نفرین کردم، آن را برای او پاکیزگی قرار بده. پس هر بنده‌ای از بندگان تو را که زدم یا آزار دادم، مرا به خاطر آن عقوبت مفرما» (مسلم، [بی‌تا]: ۴/ح۸۸-۹۷؛ ابن‌حنبل، ۱۴۲۱: ۴۵/۶). علامه اذعان کرده است که حدیث‌پژوهان شیعه علت صدور این‌گونه روایات را تطهیر برخی صحابه و بنی‌امیه همچون معاویه و مروان‌بن حکم از لعن و نفرین پیامبر(ص) دانسته‌اند. سپس با استفاده از ادلهٔ کلامی و نقلی، این دسته روایات را تحلیل و ارزیابی کرده است. در بیان ادلهٔ عصمت آنان، ابتدا بر محتوای برخی آیات قرآن (سورهٔ قلم، آیهٔ ۱۵۹؛ سورهٔ آل عمران، آیهٔ ۷؛ سورهٔ توبه، آیهٔ ۱۲۸) تکیه کرده و سپس با تفحّص در احادیث معتبر مکتب خلفا، احادیثی با اَسناد متفاوت آورده است. محتوای آنها مؤید این است که پیامبر اسلام(ص) خود فرموده است که برای تکمیل مکارم اخلاق مبعوث شده

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-09-09]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.55.5.9]
[DOI: 10.52547/pte.14.55.5]

و در سیرهٔ قولی و عملی خود دارای خلق حسن بوده و از دشنام و اذیت مؤمنان، مردم، غلامان، یهودیان که وی را مورد توهین و آزار قرار داده بودند و حتی از نفرین و زدن حیوانات و اسبان منع می‌کرده است (بخاری، ۱۴۱۰ق: ۳۹/۴؛ مسلم، [بی‌تا]: ۴/ح۸۸–۹۷). در پایان، آنچه را که در مصادر مکتب اهل بیت از امامان معصوم(ع) درباره صفات پسندیدهٔ پیامبر(ص) وارد شده، یادآور شده است (عسکری، ۱۴۲۵ق: ۲۲۶/۲–۲۳۹).

۱-۲-۱-۳. اهتمام همهٔ انبیای الهی در تعیین جانشین

از مبانی کلامی که علامه در موضوع سیرهٔ پیامبر(ص) در تعیین و معرفی وصی و اولی‌الامر بهره گرفته، پذیرش این باور است که سیرهٔ همهٔ انبیای الهی – از حضرت آدم تا حضرت خاتم– تعیین وصی می‌باشد. وی با استناد به منابع متعدد تاریخی – دینی و با ذکر رویکرد عملی انبیای الهی در انتخاب جانشین برای خود در زمان حیات و پس از آن (مسعودی، ۱۳۸۵: ۳۴۳/۱؛ یعقوبی، [بی‌تا]: ۴۶/۱؛ إنجیل یوحنا، اصحاح ۱۵/۲۱–۱۸، اصحاح ۲۷ بنقله عن **التوراة**)، ثابت کرده است که پیامبر اسلام(ص) نیز جانشینان پس از خود تا روز قیامت را تعیین فرموده و اهتمام جدی او به این امر، از ابتدای بعثت علاوه بر گفتار، در رفتار و عملکردشان، در مصادر مکتب خلفا و اهل بیت ثبت شده است. از جمله شواهد آن عبارت است از: بیعت گرفتن پیامبر اکرم(ص) در مورد اوصیایش بدون ذکر نام آنان در بیعت عقبهٔ کبری (بخاری، ۱۴۱۰ق: ۴/ ۱۶۳؛ ابن‌حنبل، ۱۴۲۱ق: ۴۱۱/۴، ۳۱۴/۵، ۳۱۶، ۳۱۹، ۳۲۱)؛ انتخاب جانشین در زمان شرکت در غزوات و عدم حضورش در مرکز حکومت اسلامی به‌خصوص در جنگ تبوک (ابن‌حنبل، ۱۴۲۱ق: ۱۷۷/۱) و همچنین موارد متعددی چون یوم الانذار و غدیر خم با ذکر نام و نشان دادن حضرت علی(ع) و حدیث جابر که با ذکر نام، تمام اوصیای خود را معرفی کرد (عسکری، ۱۴۲۶ق: ۲۹۷/۱–۲۶۹).

۱-۲-۱-۴. مطابقت با روایات معصومین شرط صحّت منقولات صحابه

از دیگر مبانی کلامی مورد قبول علامه عسکری، حجّیت احادیثی است که به واسطهٔ صحابه و تابعین به ما رسیده و امامان معصوم(ع) در صدور یا سلسله سند انتقال آن نقش نداشته‌اند. البته علامه مطابق با اعتقاد شیعه و با توجه به مفهوم آیه ۱۰۱ سورهٔ

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-09-09]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.55.5.9]

[DOI: 10.52547/pte.14.55.5]

«توبه»، حجّیت روایات موقوفه و روایات نبوی نقل‌شده توسط صحابه را مبتنی بر تطبیق و تأیید با اقوال معصومان(ع) دانسته است (عسکری، ۱۴۲۶ق[الف]: ۲۱/۱-۲۰). وی در اثبات جانشینی و وصایت حضرت علی(ع) بر این مبنا تکیه کرده و دو دسته دلیل روایی ارائه کرده است:

۱. روایاتی نظیر «حدیث انذار» که به واسطهٔ صحابه از قول رسول خدا(ص) نقل شده‌اند (همان). این روایات و مانند آن از قول سلمان (الطبرانی، ۱۴۱۵ق: ۲۲۱/۶) و أبی‌أیوب (طبرانی ۱۴۱۵ق: ۲۰۵/۴؛ محلی و سیوطی، [بی‌تا]: ح۴۲۶۱) و أبی‌سعید (طبرانی، ۱۴۱۵ق: ۲۷۱/۶) و أنس‌بن مالک (أصبهانی، ۱۳۹۴ق: ۶۳/۱؛ ابن‌عساکر، ۱۴۱۵ق: ۴۸۶/۲؛ ابن‌أبی‌الحدید، ۱۳۸۳: ۴۵۰/۱) بیان شده‌اند. همچنین روایات نبوی دیگری در *المحاسن و المساوی* به نقل از صحابه ذکر شده است (بیهقی، ۱۳۸۰ق: ۶۴/۱-۶۵).

۲. منقولات یا مکتوبات خود صحابه و تابعین که بر شایستگی‌ها و حق وصایت حضرت علی(ع) اذعان دارند؛ مانند خطبهٔ مالک‌بن حارث الاشتر در زمان بیعت با حضرت علی(ع) (یعقوبی، [بی‌تا]: ۱۷۸/۲)؛ خطبه عمروبن الحمق الخزاعی در زمانی که حضرت علی(ع) مردم کوفه را برای حرکت به سمت صفین جمع کرد (ابن‌أبی‌الحدید، ۱۳۸۳: ۲/۱)؛ مکتوب محمدبن أبی‌بکر به معاویه در مدح علی(ع) و حق ولایت او و پاسخ معاویه (مسعودی، ۱۳۸۵: ۱۱/۳؛ ابن‌أبی‌الحدید، ۱۳۸۳: ۲۸۴/۱؛ طبری، ۱۹۶۱: ۳۲۴۸/۱؛ ابن‌اثیر، ۱۴۱۷ق: ۱۰۸/۳) و همچنین مکتوب عمروبن عاص به معاویه (خوارزمی، ۱۴۱۱ق: ۱۲۵، ۱۴۳؛ عسکری، ۱۴۲۶ق[ب]، ۳۰۷/۱-۲۸۸).

نمونهٔ دیگر، روایات مربوط به نزول آیهٔ تطهیر و مصادیق عبارت «اهل البیت» است. علامه با توجه به همین مبنای مذکور، به تحلیل و ارزیابی آن پرداخته و در نهایت، همهٔ روایات ذکرشده در مکتب فریقین دربارهٔ این موضوع را که تواتر سندی و محتوایی دارند، مورد تأیید قرار داده است. در مقابل، تعداد معدودی از روایات واحدی که سند غیرمعروف و مغایر با روایات معصومان(ع) داشتند و مکان این واقعه را منزل حضرت زهرا(ع) بیان کرده‌اند، مورد تأیید نمی‌داند. وی همچنین در کشف معنای حقیقی روایت نبوی « أتاکم علی فی السّحاب» طبق همین مبنا اثبات کرده است که منظور از «سحاب» عمامهٔ سیاه پیامبر بوده که در روز غدیر آن را به

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-09-09]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.55.5.9]
[DOI: 10.52547/pte.14.55.5]

عنوان تاج‌گذاری بر سر علی گذاشت. البته تحریف‌کنندگان به‌خصوص دشمنان تشیع، در این عبارت معنای لغوی «سحاب» را مدّ نظر قرار داده و آن را به معنای «ابر» گرفته و تحریف کرده‌اند. علامه این دسته روایات را که منطبق با نقل معصومان(ع) نبوده، رد کرده است (عسکری، ۱۴۱۷ق: ۳۴۱/۲-۳۲۷).

۱-۲-۱-۵. لزوم وصول فریقین به وحدت علمی در سایهٔ وحدت در قرآن و سنت

علامه معتقد است پیروان مکتب خلفا و مکتب اهل بیت(ع) دارای جهات وفاق و جهات خلاف می‌باشند. مهم‌ترین جهات وفاق آنها قرآن کریم و سنت رسول‌الله است و با تکیه بر آن باید به بحث علمی در جهات اختلافی پرداخت. بر همین اساس، وی در زبان پژوهشی خود از الفاظ اختلاف‌برانگیز شیعه و سنّی استفاده نکرده است. همچنین بر این باور است که در بحث علمی هم اجبار بر پذیرش هیچ‌یک از طرفین نمی‌باشد. علاوه بر آن، مهم‌ترین جهات اختلاف را نخست در فهم برخی از «مصطلحات قرآنی» مانند واژهٔ «کرسی» و سپس فهم عمیق «اجتهاد خلفا درباره خمس و حقّ حضرت فاطمه(ع)» که طی قرون دچار ابهام گردیده،دانسته است (عسکری، ۱۳۸۷: ۱۲۲-۱۷۷). نمونهٔ آن، اجتهاد خلیفه دوم درباره نهی «عُمره تَمتّع» است. در نتیجهٔ این اجتهاد که مخالف با سنّت نبوی بوده، تاکنون برخی از مسلمانان عمرهٔ تمتع را در حج انجام می‌دهند و برخی انجام نمی‌دهند. بنابراین برای رسیدن به وحدت علمی نیازمند بحث و بررسی «مصطلحات قرآنی» و «مصطلحات عقیدتی» اسلام می‌باشیم.

او اختلاف دیگر را در «چگونگی دریافت سنّت رسول الله(ص)» دانسته و بحث را این‌گونه طرح کرده است که آیا می‌توان سنت رسول خدا(ص) را بدون تأیید معصومان(ع)، از هر یک از صحابه پذیرفت؟ آیا همهٔ صحابه عادل‌اند یا خیر؟ مؤید این مطلب، آن است که وی در ناب‌سازی سنت رسول خدا، با بررسی «احادیث ام‌المؤمنین عایشه» بخشی از آنها - چون افسانه غرانیق- را افترای بر او و صحابه دانسته است. دربارهٔ برخی دیگر از آنها گفته است شاید در إسناد و نسبت حدیث به عایشه اشتباه شده است و بخش دیگری را اقدام عایشه در تمحیص و توضیح سنّت رسول خدا بیان کرده و دیگر احادیث او را مورد نقد و بررسی علمی قرار داده و با دیدی علمی به پژوهش پرداخته است (همو، همان، ۲-۱۵).

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-09-09]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.55.5.9]

[DOI: 10.52547/pte.14.55.5]

۱-۲-۱-۶. میثاق الهی همهٔ انبیاء بر بعثت و تأیید پیامبر خاتم(ص)

خاستگاه این باور، شواهد متعددی از کتب آسمانی پیامبران پیشین (انجیل، [بی‌تا، الف]؛ انجیل، [بی‌تا، ب]: ۱۶/۱۴، ۱۷، ۲۵، ۲۶، ۲۶/۱۵، ۷/۱۶، ۱۲، ۱۳، ۱۴؛ تورات، ۱۸۳۹: ۱/۳۳، ۲، ۳، ۳۷/۷، ۳۸، ۱/۲۵)، قرآن (سورهٔ آل عمران، آیهٔ ۸۱؛ سورهٔ صف، آیهٔ ۶؛ سورهٔ اعراف، آیهٔ ۱۵۷؛ سورهٔ فتح، آیهٔ ۲۹؛ سورهٔ بقره، آیهٔ ۸۹)، روایات و همچنین منقولات معتبر تاریخی (ابن‌هشام، [بی‌تا]: ۳۶/۲؛ زمخشری، ۱۳۷۳ق: ۱۲۳/۱؛ طبری، ۱۹۶۱: ۳۲۷/۱-۳۲۵) است. علامه مبتنی بر این مبنا، به نقد احادیث غیرمعتبری پرداخته که در مکتب خلفا در مسئلهٔ «نزول وحی» آمده است (عسکری، ۱۳۸۲: ۲۲۶/۱؛ ابن‌هشام، [بی‌تا]: ۲۳۶/۱-۲۳۹). متن این روایات حاوی جملاتی است که پیامبر(ص) را غیرمطلع از نزول وحی نمایانده است؛ به گونه‌ای که از ملاقات با جبرئیل ترسناک شده و به زانو درآمده است. احساس شاعر شدن، مجنونی، جن‌زدگی و کاهن شدن به وی دست داده و در آن لحظات تصمیم قطعی به خودکشی گرفته است، اما خدیجه از طرف ورقةبن نوفل به او اطمینان داد که به پیامبری برگزیده شده و به آرامش رسیده است.

علامه عسکری ابتدا از حیث سندی کشف کرده است که پنج راوی یعنی عایشه، عبدالله‌بن شداد، عبیدبن عمیر، عبدالله‌بن عباس و عروةبن زبیر سرسلسله راویان بوده‌اند و در این میان، تنها عبیدبن عمیر از شخص پیامبر(ص) روایت کرده است. تاریخ گواهی می‌دهد که هیچ‌یک از این افراد در عصر حادثه هنوز متولد نشده بودند. مبتنی بر اصل و قانون قطعی در علم تاریخ، یک حادثه را جز با حضور در آن یا شنیدن از حاضران و شاهدان عینی آن، نمی‌توان نقل کرد. بنابراین منقولات این افراد دارای اعتبار نمی‌باشد. همچنین با توجه به شواهد متعدد تاریخی و قرآنی، ناآشنایی شخص پیامبر(ص) با این حقایق و سرنوشت و شخصیت خویش، بعید و محال به نظر می‌آید (عسکری، ۱۳۸۲: ۲۲۱/۱- ۲۵۸).

حقیقت واقعه طبق قانون مسلّم تاریخی مذکور و مطابق با دیدگاه مکتب اهل بیت، آن است که تنها کسی که شاهد حادثه بوده و ابعادی چند از آن را از شخص پیامبر شنیده است، می‌تواند ناقل معتبر جریان نزول وحی باشد. این شخص جز حضرت علی(ع) نیست (همو، همان، ۲۶۱-۲۶۸).

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-09-09]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.55.5.9]

[DOI: 10.52547/pte.14.55.5]

۱-۲-۲. مبانی تاریخی

دستهٔ دیگری از مبانی مدّ نظر علامه عسکری در امر پژوهش احادیث به‌ویژه روایات تاریخ و سیره، مبانی تاریخی است. استفادهٔ همیشگی وی از عبارت «مکتب خلفا» از این بینش تاریخی وی سرچشمه می‌گیرد. در ادامه، به تعدادی از این مبانی که هنگام بررسی آثار وی استخراج شده، همراه با نمونه‌های مؤید آن پرداخته‌ایم.

۱-۲-۲-۱. اعتبار قطعیات تاریخی

علامه عسکری توجه به وقایع مسلّم تاریخی و جزئیات آنها را که از منابع معتبر روایی و مصادر تاریخی به دست آمده، در نقد و ناب‌سازی روایات معتبر دانسته است. وی حدیثی از عایشه را که علت نزول «آیه تیمم» را توقف طولانی لشکر برای یافتن گردن‌بند او و عدم وجود آب برای وضو در مسیر بازگشت از غزوهٔ بنی‌المصطلق بیان کرده، (بخاری، ۱۴۱۰ق: ۸۶/۱؛ مسلم، [بی‌تا]: ۲۷۹/۱؛ نسائی، ۱۴۲۱ق: ۶۱/۱، ۱۷۲؛ ابن‌حنبل، ۱۴۲۱ق: ۵۷/۶)، با توجه به شواهد مسلّم تاریخی ارزیابی و رد کرده است. وی در تحلیل زمان و مکان ادعایی نزول آیهٔ مذکور، معتقد است که طبق شواهد معتبر تاریخی، این جنگ در سال ششم هجرت روی داده است (عسکری، ۱۴۲۵ق: ۱۶۰/۲-۱۵۸). همچنین با استفاده از جزئیات واقعهٔ جنگ بنی‌المصطلق و اختلاف حاکم بر مهاجران و انصار بر سر آب‌کشی از چاه و عدم توقف در هیچ منزلی مگر در وقت نماز، توقف سپاه اسلام توسط پیامبر را برای چنین موضوعی که در حدیث آمده، منتفی دانسته است. در این دسته روایات، تنها روایت تاریخی *سنن* نسائی و *صحیح* بخاری را قابل قبول دانسته که در آنها نقل شده است رسول خدا(ص) یک نفر را فرستاد تا گردن‌بند عایشه را که در ایستگاه فرودش - در سفر- جا گذاشته بود، بیاورد. مطابق با نظر علامه، آن یک نفر «اسیدبن حضیر» بود که برای وضو آبی نیافت و پس از بازگشت پیامبر(ص) را از آن با خبر ساخت و (از باب یادآوری) آن حضرت آیهٔ «تیمم» را -همان‌گونه که برای دیگران تلاوت می‌کرد- برای او تلاوت کرد (عسکری، ۱۴۲۵ق: ۱۸۵/۲، ۱۸۶).

وی در نمونه‌ای دیگر، از واقعیت‌های مسلّم تاریخی برای اثبات جعلی بودن کارگزارانی از قبایل مختلف قضاعه و تمیم که سیف برای پیامبر(ص) معرفی کرده

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-09-09]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.55.5.9]
[DOI: 10.52547/pte.14.55.5]

بود، استفاده کرده است. مشروح آن در جلد دوم کتاب *خمسون و مائة صحابی مختلق* نقل شده است. علامه سخن ابواسحاق سیره‌نویس و **خلیفة** بن خیاط تاریخ‌نویس را آورده است تا در برابر حقایق مسلّم تاریخی، افسانه بودن و بی‌ارزشی سخنان سیف آشکار شود؛ زیرا در آنها نام هیچ‌یک از آفریده‌های سیف‌بن عمر به چشم نمی‌خورد.

۱-۲-۲-۲. باور به برخی طرح‌های از پیش تعیین‌شدهٔ تاریخ‌ساز

علامه بر این باور است که برخی جریانات تاریخ اسلام برنامه‌های از پیش تعیین شده بوده و مبتنی بر همین باور به نقد برخی روایات تاریخی پرداخته است. برای نمونه، وی با تکیه بر تعدادی از روایات تاریخی معتبر، برنامه‌ریزی جریان سقیفه را به پیش از وفات پیامبر معطوف دانسته است. بر همین اساس، سعی و کوشش پیامبر(ص) بر آن بود که هنگام وفات، مدینه پایتخت اسلام را از سران مهاجر و انصار خالی کند. پیامبر اکرم(ص) به منظور تحقق این امر، به آنان مأموریت جهاد در مرز شام را داد و فقط علی(ع) را در مدینه بر بالین خود نگاه داشت. البته آنان از این فرمان پیامبر(ص) پیروی نکردند و در اجرای آن مسامحه کردند تا اینکه پیامبر(ص) از دنیا رفت. پیش‌آمد نامطلوب در خلال جریان این بود که همان اشخاصی که مراقب اوضاع بودند تا در اولین فرصت مقاصد خود را اجرا کنند، نگذاشتند آخرین برنامهٔ رسول خدا(ص) برای راهنمایی بشر، به عنوان یک سند کتبی ثبت شود و در دست مسلمانان باقی بماند. در نتیجه، مسیر تاریخ اسلام را به کلی تغییر دادند (عسکری، ۱۴۱۷ق: ۹۰/۱-۸۳).

۱-۲-۲-۳. قطعیت کتابت حدیث نبوی از عهد پیامبر(ص)

ثبت و ضبط سنت و حدیث نبوی یا به تعبیر علامه «وحی بیانی» همانند کتابت قرآن از عهد رسالت مورد اهتمام مسلمین و تأکید رسول خدا(ص) بوده است. این موضوعی است که علامه به تفصیل با استفاده از منابع تاریخی و روایی فریقین بدان پرداخته است (عسکری، ۱۳۷۴: ۱۷۸/۱-۱۵۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۱۴۷/۲؛ بخاری، ۱۴۱۰ق: ۳۳/۱-۳۴؛ ابن‌اثیر، ۱۴۱۵ق: ۱۶۲/۶). وی بر این عقیده است که به‌جز عصر خلفای ثلاثه -که دستور به منع نگارش حدیث نبوی دادند و عهد معاویه که

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-09-09]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.55.5.9]

[DOI: 10.52547/pte.14.55.5]

وضع جعلیات گسترش پیدا کرد- مسلمانان در عهد نبوی(ص) و عصر حکومت علی‌بن أبی‌طالب(ع) به‌طور علنی به نشر و ثبت احادیث نبوی می‌پرداختند. در دورهٔ حکومت بنی‌عباس نیز به جداسازی روایات موضوعه و تدوین حدیث صحیح و ضبط وحی بیانی پرداخته شد. وی برای اثبات این مدعا شواهدی از منابع فریقین ارائه داده است؛ از جمله آنکه پیامبر(ص) مسلمانان را ترغیب و تحریض کرده بود که حدیثش را به دیگران برسانند و گفتارش را برای دیگران بازگو کنند. در چندین روایت دیگر، نه تنها نقل بلکه به نوشتن نیز فرمان داده شده است (عسکری، ۱۳۸۲: ۱۲۹/۱-۱۱۰؛ همو، ۱۴۲۶ق[ب]: ۴۰/۲-۳۵)، ولی از زمان ابوبکر و عمر سنگ‌اندازی‌ها آغاز شد. آنها برای تحقق اهداف خود، از زبان پیامبر اکرم(ص) نقل کردند که: «مردم در امور دنیای خودشان از پیامبر(ص) آگاه‌تر و داناترند». نتیجه آنکه لازم نیست به سخنان رسول خدا(ص) و ثبت و ضبط آن توجه کنند (همو، ۱۳۷۴: ۱/ ۱۷۸-۱۵۷).

علامه علت اصلی تمام مخالفت‌ها با کتابت حدیث در زمان ابوبکر، عمر و معاویه را همان علت ممانعت آنها از ثبت و نقل وحی بیانی در تفسیر آیات قرآنی دانسته است؛ زیرا بزرگان قریش از انتشار ذمّ افرادی از آنها که مورد غضب پیامبر(ص) قرار گرفته بودند یا مدح بزرگانی از صحابه که آنها خوش نداشتند، واهمه داشتند (عسکری، ۱۴۱۸ق[ب]: ۱۳۳/۱۶-۱۹). البته با توجه به شواهد حدیثی و تاریخی معتبر، ضبط سنت نبوی در عهد رسول خدا(ص) قطعی است؛ هرچند علامه ورود تحریف در آن زمان را نیز محرز دانسته است. از نمونه‌هایی که هم ثبت روایت در عصر پیامبر(ص) و هم وجود تحریف روایت از عصر پیامبر(ص) را ثابت می‌کند، روایات نماز پیامبر اسلام(ص) پشت سر ابوبکر در لحظات پایانی عمر رسول خدا(ص) است (عسکری، ۱۴۱۸ق[الف]: ۲۱-۶۰).

۱-۲-۲-۴. لزوم توجه به داده‌های فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی تاریخ صدور

علامه عسکری بررسی وضع جامعهٔ عرب در قبل و بعد از اسلام را برای نقد روایات سیره و تاریخ نبوی مورد اهتمام قرار می‌داد. ساکنان جزیرة العرب از اعراب بادیه نشین، یهودیان و مسیحیان تشکیل می‌شد. وی بررسی سه امر «اصل و نژاد عرب»،

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-09-09]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.55.5.9]

[DOI: 10.52547/pte.14.55.5]

«وضع دینی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی قبل از اسلام» و همچنین «وضع مکه و مدینه قبل و بعد از بعثت و هجرت تا آخر حیات پیامبر(ص)» را لازم می‌دانست؛ به همین دلیل آنها را با توضیح مفصّل روشن کرده و از این داده‌های تاریخی در نقد روایات سیره و تاریخ کمک گرفته است (ابن‌هشام، [بی‌تا]: ۸۱/۱-۸۲؛ عسکری، ۱۳۸۲: ۱۹/۲؛ یعقوبی، [بی‌تا]: ۲۶۲/۱). برای نمونه، در بررسی روایات تاریخی که دربارهٔ شناخت نَسَب پیامبر(ص) و خُلقیات و نقش‌های اجتماعی وی وارد شده و همچنین شخصیت فردی، اخلاقی و اجتماعی پیامبر اکرم(ص)، تحلیل وقایع و نحوهٔ عملکرد بزرگان مشرکان و قریش با مسلمانان صدر اسلام و چگونگی تأسی حضرت علی(ع) به پدرش ابوطالب در حمایت از پیامبر(ص) و غیره، از همین داده‌های اجتماعی و فرهنگی و سیاسی استفاده کرده و به کشف حقایق تاریخ و سیره پرداخته است (عسکری، ۱۳۸۲: ۱۲/۲).

۱-۲-۳. مبانی نقد الحدیثی مبتنی بر علوم اسلامی

علامه عسکری در امر پژوهش حدیثی، علوم اسلامی مختلف و یک سری ملاحظات علمی دیگری را کاربردی و کمک‌کننده در کشف حقیقت می‌دانست. استفاده از قواعد و ضوابط موجود در دانش‌هایی چون تفسیر، آسیب‌شناسی حدیث، رجال، درایه و توجه به مسائل علمی دیگر، در تشخیص صحّت و سقم احادیث سیره و تاریخ وجههٔ همّت وی قرار داشته است. در ادامه، این دسته از مبانی استخراج‌شده از آثار وی تبیین و تحلیل شده است.

۱-۲-۳-۱. لزوم توجه به شأن نزول در تفسیر

علامه عسکری استفاده از علوم مختلف تفسیر قرآن، همچون شأن نزول آیات را در نقد احادیث سیره و تاریخ کارآمد می‌دانست. شاهد آنکه در مصادر اصلی حدیثی مکتب خلفا (بخاری، ۱۴۱۰: ۸۶/۱؛ مسلم، [بی‌تا]: ۲۷۹/۱؛ نسائی، ۱۴۲۱ق: ۶۱/۱، ۱۷۲؛ ابن‌حنبل، ۱۴۲۱ق: ۵۷/۶) حدیثی از عایشه دربارهٔ نزول آیهٔ تیمم آمده است که در آن فاصلهٔ زمانی زیادی بین صدور احکام الهی وضو و غسل با حکم تیمم ادعا شده و نزول آیهٔ تیمم را از برکت وجود عایشه و گردن‌بند گم‌شدهٔ او دانسته است. علامه در تفحّص حقیقت ماجرا، علاوه بر مستندات قطعی تاریخی (که ذکر آن در

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-09-09]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.55.5.9]

[DOI: 10.52547/pte.14.55.5]

سطور قبل گذشت)، به روایت‌های دیگری در شأن نزول آیه که خلاف روایت عایشه می‌باشند، دست یافته است. وی در تطبیق آن روایات با آیات مرتبط قرآن (سورهٔ نساء، آیهٔ ۴۳؛ سورهٔ مائده، آیهٔ ۶) نتیجه گرفته است که همان زمان که حکم وضو و غسل بیان شده، حکم بدلیّت تیمم از آنها نیز بیان شده و معقول نمی‌نماید که با توجه به شرایط جغرافیایی و کمبود آب، سیزده سال در مکه و پنج سال در مدینه مسلمانان فقط وضو و غسل به جا آورده باشند و هیچ‌گاه محتاج تیمم نشده باشند (عسکری، ۱۴۲۵ق: ۱۸۶/۲-۱۶۰).

۱-۲-۳-۲. اعتبار کاربرد علم رجال

علامه در شناخت راوی و بررسی سلسلهٔ روات احادیث، از جمله شخصیت «عبدالله‌بن سبا» -که در سند برخی از روایات سیف قرار داشته است- و حتی خود «سیف‌بن عمر» به اقوال علما رجال مراجعه می‌کرد. این امر نشان از باور علامه بر کارآمدی علم رجال و سندشناسی حدیث در کشف اعتبار روایت و راوی دارد. در مقدمهٔ کتاب *معجم الرجال* در مورد نیازسنجی این علم در کشف صحّت روایت به تفصیل توضیح داده شده است (خویی، ۱۴۱۰ق: ۲۸-۳۲). در *طبقات* ابن‌سعد نیز به دفعات این علم مورد استفاده قرار گرفته است (صبحی صالح، ۱۳۷۷: ۸۶). دانشمندان علم حدیث نیز هرگاه بخواهند در سند روایتی تحقیق کنند، دو جهت را مورد بررسی قرار می‌دهند. نخست، وجود خارجی راوی و خصوصیات و وثوق وی؛ دوم صحّت سلسله و طبقات روات تا اتصال به معصوم (مدرسان دانشکده علوم حدیث، ۱۳۹۰: ۲۵-۲۷).

علامه در مورد سیف‌بن عمر و روایات او، با استفاده از «علم رجال» نتیجه گرفته است که نه فقط افسانهٔ عبدالله‌بن سبا، بلکه صدها افسانه و قهرمان تاریخی دیگر نیز هستند که ساختهٔ فکر سیف بوده و وجود خارجی نداشته‌اند. سپس نظر پانزده تن از رجالیان را در مورد وی آورده که همگی سیف‌بن عمر را تضعیف کرده‌اند (عسکری، ۱۴۱۷: ۷۵/۱-۷۰). همچنین در کشف صحت روایات سیف دربارهٔ سقیفه (همو، همان، ۹۱-۹۲؛ ابن‌حجر عسقلانی، ۱۴۱۵ق: ۲۳۰/۲؛ رازی، ۱۲۷۱ق: ۱۳۶/۲) و نیز در مبحث «دیات»، روایاتی در موضوع «دیهٔ جنین» از إملائات یا مکتوبات حضرت علی(ع) که به واسطهٔ «ظریف بن ناصح» به ما رسیده است، با بررسی رجالی صحت‌سنجی کرده است (عسکری، ۱۴۲۶ق[ب]، ۳۱۱/۳-۲۷۱).

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-09-09]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.55.5.9]

[DOI: 10.52547/pte.14.55.5]

۱-۲-۳-۳. اعتبار کاربرد علم درایه و نقد متن

علامه عسکری در کشف صحت روایات، قائل به اعتبار و لزوم بررسی متن حدیث هم از حیث صحت لفظی و هم مطابقت محتوای روایت با واقع و عقل بود. برای مثال، روایات سیف دربارۀ سقیفه را علاوه بر سند، از نظر متن نیز بررسی کرده است. وی سیف را بسیار ماهر در ساختن روایت می‌دانست؛ زیرا در برخی موارد حقایق را تحریف کرده و قسمت دیگر حوادث را به گونه‌ای نقل کرده است که خواننده خواه ناخواه مطلب خلاف واقع را مسلّم می‌پندارد. در روایت سیف از «قعقاع» آمده است که: «روز وفات پیغمبر(ص)، پس از نماز ظهر خبر رسید که انصار می‌خواهند با سعدبن عباده بیعت کنند و پیمانی را که با رسول خدا(ص) بسته بودند، بشکنند». خواننده از این روایت چنین می‌فهمد که درباره خلافت ابوبکر، مردم با رسول خدا(ص) پیمانی بسته بودند که انصار می‌خواستند آن پیمان را بشکنند. سپس در روایت دیگر سیف درباره لشکر اسامه آمده است که: «چون خبر وفات رسول خدا(ص) به اردوگاه رسید، اسامه، عمر را به نزد ابوبکر خلیفۀ رسول خدا(ص) فرستاد...». از این روایت نیز چنین استنباط می‌شود که پیمان مردم با رسول خدا(ص)، دربارۀ خلافت ابوبکر بوده است. بنابراین طبق نظر علامه، چون سیف از این مهارت و تردستی‌ها در نقل جریان سقیفه بسیار داشته است، روایات او در نقل حوادث رحلت پیامبر(ص) و سقیفه و تعیین جانشین معتبر نیست (عسکری، ۱۴۱۷ق: ۸۳/۱- ۸۸). او همچنین روایات مربوط به «احراق مرتد» را که سیف دربارۀ عبدالله‌بن سبا و سوزانیدن وی توسط حضرت علی(ع) بیان کرده است را با نقد متنی و به دلیل عدم مطابقت محتوای آنها با روایات معتبر و سیره معصومان(ع) و صحابه که در مصادر فریقین آمده و نیز عدم پذیرش عقلی، رد کرده و «افراد» سند حدیث و انحصار روایی را نیز شاهد جعل روایات دانسته است (همو، همانَ، ۱۹۵/۲-۱۹۰).

۱-۲-۳-۴. لزوم بررسی عدم تعارض روایی

یکی از مبانی مدّ نظر علامه عسکری در ارزیابی روایات سیره و تاریخ، این بوده است که روایات موجود در یک موضوع تعارض محتوایی نداشته باشد و در صورت وجود تعارض و عدم دلیل قطعی بر ترجیح یکی بر دیگری یا غیرمعقول بودن

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-09-09]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.55.5.9]
[DOI: 10.52547/pte.14.55.5]

محتوای آنها، هر دو روایت را کنار بگذارد. از شواهد این مطلب، روایاتی است که دربارهٔ عبدالله‌بن سبا در کتب شیعه نقل شده و به دو گروه تقسیم شده است. عبدالله‌بن سبا در این دو گروه روایات، با دو قیافهٔ مختلف و متضاد خودنمایی کرده است. در جایی به قیافهٔ شخصی که دربارهٔ امیر مؤمنان(ع) غلو کرده و دربارهٔ او به الوهیّت قائل شده است، دیده می‌شود. در جای دیگر، به قیافهٔ شخصی درآمده است که دربارهٔ تنزیه و تقدیس پروردگار غلو کرده و مانند خوارج آنچه را که به گمان خویش نسبت به حریم قدس ربوبی سزاوار نیست، نفی کرده است. طبق نظر علامه، این دو نوع روایت، متناقض و مخالف همدیگر است و یکدیگر را تکذیب می‌کنند. دستهٔ اول این روایات، تنها در *رجال* کشّی و کتاب‌هایی که از آن نقل کرده‌اند، آمده است. عبدالله‌بن سبا در چهرهٔ اول با خصوصیاتی که در این گروه روایات آمده است، در عالم خارج حقیقت ندارد، بلکه افکار مسموم و دست‌های مرموز چنین شخصیتی را آفریده و در تاریخ اسلام ساخته‌اند و مردم عوام با نقل خود آن را توسعه داده‌اند تا به صورت یک واقعیّت تاریخی غیرقابل تردید جلوه‌گر شد (عسکری، ۱۴۱۷ق: ۲/ ۲۱۰-۲۰۷).

۱-۲-۳-۵. لزوم توجه به قواعد نقد الحدیثی امامان شیعه(ع) و محدّثان متقدم

علامه عسکری همانند بسیاری از حدیث‌پژوهان، ورود خطای سهوی و عمدی در جریان صدور و انتقال روایات را باور دارد؛ زیرا هیچ کتاب و سخنی به‌جز قرآن - طبق نصّ صریح کتاب الهی (سورهٔ فصلت، آیات ۴۰-۴۴)- با قطع و یقین مصون و دست‌نخورده نیست. از طرف دیگر، به شهادت روایات تاریخی و اقرار معصومان(ع)، از جانب مردم به پیامبر(ص) و امامان شیعه(ع) نسبت دروغ و خلاف بسیار داده شده و در طول تاریخ باعث اختلاط حق و باطل در انتقال سنت و سیره معصومان(ع) گردیده است. علامه بیان کرده است که برای علاج این مشکل در سیره و گفتار معصومان(ع)، دو نوع برخورد ملاحظه می‌شود. نخست، مورد لعن و طرد قرار گرفتن جاعلان از طرف معصومان(ع)؛ مانند **مغیرةبن** سعید و بنان‌بن بیان. دوم، عرضهٔ موازین خاصی برای تشخیص حدیث صحیح توسط امامان شیعه(ع). از جملهٔ این موازین «موافقت با قرآن و وجود یک یا دو شاهد از قرآن در تأیید آن»، «تطبیق با سنت اجماعی و متواتر»، «عدم عصیان در ترک امر ارشادی یا نهی

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-09-09]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.55.5.9]
[DOI: 10.52547/pte.14.55.5]

کراهتی» و غیره است. مجموعهٔ این قواعد توسط شیخ حرّ عاملی در فایده نهم و دهم خاتمهٔ *وسائل الشیعه* و شیخ حسین نوری در فایده چهارم *مستدرک* او جمع‌آوری شده است (عسکری، ۱۴۲۶ق[ب]): ۳۵۱/۳-۳۱۵).

قواعد علمی دیگری نیز توسط محدّثان متقدم ارائه شده است؛ از جمله قاعدهٔ «طبقه‌بندی احادیث از بُعد میزان اعتبار» که به سیدبن طاووس و علامه حلی نسبت داده‌اند. طبق این قاعده، احادیث با توجه به سند روایت و اعتبار روات آن، به چهار دستهٔ «صحیح»، «حسن»، «موثق» و «ضعیف» تقسیم می‌شوند. برخی از حدیث‌پژوهان با اعتماد بیش از حد این قاعده را در همهٔ احادیث ملاک صحت قرار دادند و حتی برخی از روایات سیره را که از نظر متن و امکان وقوع خارجی، دارای اعتبار عقلی نیستند، صحیح دانسته‌اند، ولی علامه عسکری با وجود پذیرش این مبنا، توجه صرف به متن یا سند را برای شناخت حدیث صحیح کافی ندانسته است (همان، همان‌جا). یک نمونهٔ آن، پاسخ امام محمدتقی(ع) به یحیی‌بن أکثم دربارهٔ گزارش «ابوبکر و عمر سیداً کهول الجنه» (ابن‌جوزی، ۱۴۱۸ق: ۳۹۸/۱) است. محمدتقی(ع) با یک جواب مستدل روایی و عقلی، به محال بودن این خبر حکم داده است (طباطبایی، ۱۳۹۸: ۱۳۷). علامه عسکری در مسئلهٔ جواز احتفال (عسکری، ۱۴۱۸ق[ب]: ۲/-۵ ۱۶) و همچنین نحوهٔ صلوات بر پیامبر(ص) (همو، همان، ۲۲/۳-۵) و نقد روایات مربوط به حکم ازدواج موقت در اسلام (همو، همان، ۷۹/۹-۹) بدین‌گونه احادیث مربوطه را مورد بررسی قرار داده است.

۱-۲-۴. مبانی زبان‌شناختی و ادبیات عرب

گونهٔ دیگری از مبانی مورد توجه علامه عسکری در فهم دقیق و ارزیابی اخبار سیره و تاریخ، باور به تأثیر و لزوم توجه به معانی متفاوت و متعدد واژه‌ها و صنایع ادبی و فنون بلاغت موجود در متن روایات است. در ادامه، میزان اعتبار و تأثیر این مبانی و همچنین مصادیق کاربرد علامه از آنها مورد تبیین و تحلیل قرار گرفته است.

۱-۲-۴-۱. لزوم توجه به معانی لغوی و اصطلاحی در درک مراد گوینده

در همهٔ زبان‌ها یکی از عوامل مهم درک معنای دقیق یک متن یا سخن، آشنایی با معانی مختلف لغوی و اصطلاحی کلمات در آن زبان است. فحص لغوی و اصطلاحی

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-09-09]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.55.5.9]
[DOI: 10.52547/pte.14.55.5]

واژه‌های یک خبر در تشخیص روایات جعلی و تناقضات درون‌متنی، از مبانی زبان‌شناختی علامه در پاک‌سازی روایات سیره و تاریخی است. «خلافت»، «ولایت» یا «امامت» و «ویژگی‌های امام» مانند عصمت، از واژه‌های چالش‌برانگیز از صدر اسلام تاکنون می‌باشند که علامه این اصطلاحات را در مکتب خلفا و اهل بیت(ع) با استفاده از این روش در بوتهٔ نقد قرار داده است. علامه با تکیه بر همین مبنا، واژهٔ «اهل بیت» در آیهٔ تطهیر (سورهٔ احزاب، آیهٔ ۳۳) را از اصطلاحات شرعی دانسته که به وسیله قرآن کریم وضع شده است. پیامبر اکرم(ص) نیز با قاطعیت، تمام افراد این گروه را تعیین کرده است. پیامبر(ص) علی و فاطمه و حسن و حسین(ع) را زیر کسای خویش جمع کرد و این آیه را که درباره آنان نازل شده بود، قرائت کرد. بدین وسیله به‌وضوح معین کرد که زنان وی در شمار اهل بیت(ع) نیستند. بنابراین اهل البیت نام خاص این گروه شد و هر جا در اسلام سخن از اهل بیت شود، مقصود این معصومان(ع) می‌باشند (عسکری، ۱۳۸۲: ۲۳۹/۲). وی در بررسی واژهٔ «مصحف» (همو، ۱۴۱۸ق[ب]: ۲۴/۷-۵) و نیز واژه‌های «ظالم» و «معصوم» بدین شیوه عمل کرده است (همو، ۱۳۸۲: ۲۶۶/۲-۲۲۷).

۲-۴-۲-۱. توجه به شواهد درون‌متنی و سیاق کلی زبان متن

علامه عسکری در بررسی واژهٔ «انطاق» که در روایات افسانه‌ای سیف آمده، با استفاده از شواهد درون‌متنی و سیاق کلی متن به کشف حقیقت پرداخته است. این کلمه نام فرمانده سپاه دشمن بوده است، ولی در *معجم البلدان* چنین پنداشته شده که «انطاق» مورد بحث سیف، نام مکانی در نزدیکی تکریت است (یاقوت حموی، [بی‌تا]: ۲۶۶/۱). مؤلف کتاب *مراصد الاطلاع* نیز از یاقوت حموی پیروی کرده است (ابن‌عبدالحق بغدادی، [بی‌تا]: ۱۲۴/۱). علامه در تحلیل این گفتار، با توجه به قراین درون‌متنی و سیاق کلی چنین نتیجه گرفته است که اشتباه یاقوت حموی از آنجا ناشی شده که در حدیث سیف «نزوله عَلَی الانطاق» (یعنی ورودش به انطاق) آمده و یاقوت حموی چنین استنباط کرده است که کلمهٔ «ورود» بر مکان خاصی دلالت دارد. اشتباه دوم یاقوت حموی این است که به قسمت آخر شعری از سیف روایت کرده است؛ زیرا در آن شعر با صراحت گفته است: «و انطاق خود را از میان جمعیت به کناری

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-09-09]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.55.5.9]

[DOI: 10.52547/pte.14.55.5]

کشید و بگریخت» و این انسان است که - برخلاف مکان- می‌تواند از میان جمعیت بگریزد. علامه نتیجه گرفته است که همین مطالب را دانشمندانی چون ابن‌اثیر، ابن‌کثیر و ابن‌خلدون از طبری گرفته و در تاریخ‌های خود نقل کرده‌اند، اما چون یاقوت حموی خود نسخه‌ای از کتاب *فتوح* سیف را به خط یک دانشمند نسخه‌بردار به نام «ابن‌خاضبه» در اختیار داشته و بی‌واسطه از همان کتاب استخراج می‌کرد، نام بعضی از شهرها و بادیه‌هایی را که در کتاب *معجم البلدان* او آمده، به‌جز در احادیث سیف، در دیگر کتاب‌های جغرافیایی نمی‌توان یافت (عسکری، ۱۳۷۸: ۳۴۱/۱-۳۴۶).

۱-۲-۴-۳. استفاده از قرائن بیرونی و ظواهر نقلی در کشف معنای اصطلاحات

از جمله مبانی زبان‌شناختی علامه در تشخیص جعل روایات، جست‌وجوی قرائن بیرون از متن برای یافتن معنای مورد نظر گویندهٔ متن است. وی در جست‌وجوی قرائن بیرونی مسیرهای زیر را پیموده است:

۱-۲-۴-۳-۱. بررسی معانی و جایگاه مختلف استعمال یک واژه در کلام الهی، معصوم یا عرف جامعه

علامه عسکری برای تشخیص معنای ساختار مستعمل فعل امر در یک عبارت، به موشکافی آیات الهی مانند «بخورید و بیاشامید ولی اسراف نکنید» (سورهٔ اعراف، آیهٔ ۳۱) پرداخته است که دارای فعل امر می‌باشد. وی سپس در مقایسهٔ فعل امر در این‌گونه آیات با ساختار فعل امر در واجبات اعتقادی و عملی، توضیح داده است که اوامر و نواهی در دو معنای کلی «ارشادی» و «مولوی» به کار برده می شوند. به همین نحو، در شناخت معنای واژه‌های «**المعصیة**» (سورهٔ کهف، آیهٔ ۶۹؛ سورهٔ تحریم، آیهٔ ۶؛ سورهٔ طه، آیهٔ ۱۲۱؛ سورهٔ نازعات، آیهٔ ۲) و «ذنب» (سورهٔ شعراء، آیات ۱۰-۱۵؛ سورهٔ قصص، آیات ۱۵-۲۱) نیز با ذکر معانی مختلف آنها که در مواضع مختلف تفاوت‌هایی دارند، راه تشخیص دقیق آنها در متن هدف را آسان‌تر کرده است (عسکری، ۱۴۱۸ق[ب]: ۵۸/۱۱-۵۶).

۱-۲-۴-۳-۲. شرح تعدادی از واژه‌ها برای روشن شدن مراد اصلی گوینده از متن

علامه در مواردی چون «ذا الأید»، «أواب»، «خلطاء»، «ظنّ»، «أناب» و غیره با

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-09-09]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.55.5.9]
[DOI: 10.52547/pte.14.55.5]

استفاده از فرهنگ لغات و ذکر نمونه‌هایی از آیات قرآن و روایات، به شرح و تبیین معانی لغت و معنای مراد در متن هدف می‌پرداخت (همو، همان، ۶۰-۶۶).

۱-۲-۴-۳-۳. تشکیل نوعی از خانوادهٔ لغت موجود در متون متعدد و متفاوت

گاهی علامه با جمع‌آوری نمونه‌های متعدد و جست‌وجوی معانی مختلف لغت در آنها و شرح آیات و روایات دربارهٔ آن واژه، به تفسیر و مصداق‌یابی حقیقی واژه در متن هدف می‌پرداخت؛ چنان‌که در خبر حضرت ابراهیم در شکستن بت‌ها و تشخیص توریه در عبارت «فَعَلَه کَبیرُهُم» (سورهٔ انبیاء، آیهٔ ۶۳، ۶۵) و خبر حضرت یوسف و برادرانش در تشخیص توریه در عبارت «صواع الملک» (سورهٔ یوسف، آیهٔ ۷۰) و نیز در خبر صلح حدیبیه و فتح مکه در تشخیص معنا و مصداق دقیق کلمات «فتح»، «لیغفر» و «ذنبک» (سورهٔ فتح، آیات ۱- ۴)چنین عمل کرده است (همو، همان، ۶۷-۷۱).

۱-۲-۴-۴. کارآمدی مباحث ادبی و بلاغی در نقد سیره و سنت

از مبانی زبان‌شناختی علامه، مؤثر بودن مباحث بلاغی از جمله مبحث «حقیقت و مجاز» در کشف معنای دقیق واژه و عبارت است. وی با اعتقاد بر اینکه شناسایی نوع کاربرد الفاظ، در فهم کلام نقش حائز اهمیتی دارد، در موارد متعدد از این مبنا استفاده کرده است. توضیح آنکه چنانچه لفظی در معنای لغوی و یا معنای حقیقت شرعیه به کار برده شود، این لفظ در معنای حقیقی خود استعمال شده است؛ مانند به کار بردن لفظ «ید» در جملهٔ «قُطعت یدُ السّارق» (یعنی دست دزد بریده شد) و استعمال واژهٔ «صلاة» که برای انجام اعمال خاص مسلمین همراه با اذکار خاص» به کار می‌رود (عسکری، ۱۴۲۶ق[ب]: ۱۰۸/۱-۱۰۷). گفتنی است چنانچه لفظی در جمله‌ای در معنای غیروضعی ولی متناسب با آن به کار رود، این کاربرد را «استعمال مجازی» می‌گویند؛ مانند استعمال «دست» به معنای «نیرو». مجازگویی در همهٔ زبان‌ها زیبایی‌بخش گفتارهاست. در قرآن کریم نیز -که بالاترین گفتار ادبی زبان عرب است- این‌گونه کاربرد الفاظ بسیار آمده است (سورهٔ اسراء، آیهٔ ۲۹). علامه عسکری واژهٔ «اهل بیت» در آیهٔ تطهیر (سورهٔ احزاب، آیهٔ ۳۳) را از مجازات قرآنی دانسته است (عسکری، ۱۳۸۲: ۲۳۹/۲).

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-09-09]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.55.5.9]

[DOI: 10.52547/pte.14.55.5]

نتیجه‌گیری

انجام این پژوهش نتایجی را به همراه داشت که در ادامه به بیان آن پرداخته‌ایم.

۱. در نقد احادیث تاریخی و سیره، مبانی مختلفی مورد پذیرش و توجه علامه عسکری بوده است که در این مقاله به دسته‌های مبانی کلامی، مبانی تاریخی، مبانی مبتنی بر علوم اسلامی و مبانی زبان‌شناختی تقسیم شده است.

۲. مبانی کلامی نقد الحدیث وی عبارت است از: مصدریت قرآن و سنت در شناخت اسلام با اولویت قرآن؛ عصمت پیامبر اسلام(ص) و امامان شیعه(ع)؛ اهتمام همهٔ انبیای الهی در تعیین جانشین؛ مطابقت با سنت معصومان(ع) شرط صحت روایات صحابه؛ لزوم وصول فریقین به وحدت علمی در سایهٔ وحدت در قرآن و سنت؛ میثاق الهی همهٔ انبیا بر بعثت و تأیید پیامبر خاتم(ص)؛ تأثیر سیر تاریخی انحرافات فرقه‌ای.

۳. مبانی تاریخی علامه در نقد احادیث شامل: اعتبار قطعیات تاریخی؛ باور به برخی طرح‌های از پیش تعیین‌شدهٔ تاریخ‌ساز؛ قطعیت کتابت حدیث و سیرهٔ نبوی از عهد پیامبر و همچنین لزوم توجه به داده‌های فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی تاریخ صدور می‌باشد.

۴. مبانی علمی او عبارت است از: لزوم توجه به سبب نزول در تفسیر؛ اعتبار کاربرد علم رجال؛ اعتبار کاربرد علم درایه و نقد متن؛ لزوم بررسی عدم تعارض روایی؛ لزوم توجه به قواعد نقد الحدیثی امامان شیعه(ع) و محدثان متقدم.

۵. از مبانی زبان‌شناختی موارد: لزوم توجه به معانی لغوی و اصطلاحی در درک منظور گوینده؛ توجه به شواهد درون‌متنی و سیاق کلی زبان متن؛ اعتبار قراین بیرونی و ظواهر نقلی در کشف معنای اصطلاحات و کارآمدی مباحث بلاغی، تکیه‌گاه پاک‌سازی احادیث تاریخی و سیره توسط علامه عسکری می‌باشند.

۶. در بسیاری از موارد، انواع مبانی به‌طور توأمان پایهٔ پژوهش وی می‌باشد.

۷. کاربست انواع مبانی در امر پژوهش توسط علامه عسکری، حصول نتیجهٔ قوی و قابل پذیرش برای محققان فریقین را در پی داشته و اعتماد مطلق به مصادر مکتب خلفا را به چالش کشانده است. در نتیجه، برخی از حدیث‌پژوهان اهل سنت نیاز به بازنگری مصادر اولیهٔ تاریخی و حدیثی مکتب خلفا را پذیرفته و این مهم را آغار

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-09-09]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.55.5.9]
[DOI: 10.52547/pte.14.55.5]

کرده‌اند. مکاتبات عالمان اهل سنت با علامه در ابتدا و اثنای بسیاری از آثار وی، دالّ بر صحت این ادعاست.

منابع و مآخذ

- قرآن
- تورات (۱۸۳۹م)، ترجمهٔ کشیش رابنسن، لندن: ریچارد واطس.
- انجیل [بی‌تا، الف]، ترجمهٔ لامنه، پاریس.
- انجیل [بی‌تا، ب]، ترجمهٔ رابنسن، لندن.
- ابن ابی‌الحدید، عبدالحمیدبن هبةالله (۱۳۸۳ش)، شرح *نهج‌البلاغه*، ج۱، قم: کتابخانه مرعشی نجفی.
- ابن‌اثیر، علی‌بن محمد (۱۴۱۵ق)، *أسد الغابة فی معرفة الصحابة*، ج۶، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- ..... (۱۴۱۷ق)، *الکامل فی التاریخ*، ج۳: بیروت: دار الکتاب العربی.
- ابن‌جوزی، یوسف‌بن قزاوغلی (۱۴۱۸ق)، *تذکرة خواص الامة*، ج۱، قم: الشریف الرضی.
- ابن‌حنبل، احمدبن محمد (۱۴۲۱ق)، *مسند*، ج۱، ۴، ۵، ۶، بیروت: الرسالة.
- .....، *منتخب کنز العمال فی سنن الاقوال و الأفعال بهامشه مسند حنبل*، [بی‌جا]: [بی‌تا].
- ابن‌عبدالحق بغدادی، عبدالمؤمن [بی‌تا]، *مراصد الاطلاع علی اسماء الامکنة و البقاع*، ج۱، [بی‌جا]: [بی‌نا].
- ابن‌عساکر، علی‌بن الحسن (۱۴۱۵ق)، *تاریخ مدینة دمشق*، ج۲، بیروت: دار الفکر.
- ابن‌فارس، احمد (۱۴۱۱ق)، معجم *مقاییس اللغة*، تحقیق عبدالسلام محمد هارون، ج۵، بیروت: دار الجیل.
- استادی، رضا (آذر و دی ۱۳۷۹ش)، «پاسخی به چالش‌های فکری در بحث امامت و عصمت»، *مجلهٔ معرفت*، ش ۳۷، صص۸-۱۴.
- أصبهانی، ابونعیم احمدبن عبدالله‌بن احمد (۱۳۹۴ق)، *حلیة الأولیاء و طبقات الأصفیاء*، ج۱، مصر: السعادة.
- ایمانی، محدثه، محسن قاسم‌پور و حسین ستار (۱۳۹۹)، «کاستی‌ها و بایستگی‌های نقد متنی روایات در آثار علامه عسکری»، *مطالعات فهم حدیث*، ش ۲ (پیاپی ۱۲)، صص۲۱۷-۲۳۷.
- بخاری، محمدبن اسماعیل (۱۴۱۰ق)، *صحیح البخاری*، ج۱، ۴، مصر: الاسلامیة.
- البیضانی، قاسم (۱۴۳۲ق)، *مبانی نقد متن الحدیث*، قم: جامعة المصطفی العالمیة.
- بیهقی، محمدبن إبراهیم (۱۳۸۰ق)، *المحاسن و المساوی*، ج۱، قاهره: [بی‌نا].
- جزری، مبارک‌بن محمد(۱۳۶۷ش)، *النهایة فی غریب الحدیث و الأثر*، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- جوزی، عبد الرحمن‌بن علی (۱۳۸۶ق)، الموضوعات، *المدینه*، المکتبة السلفیة.

- جوهری، ابونصر اسماعیل‌بن حماد (۱۴۰۷ق)، *الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیة*، ج۲، بیروت: دار العلم للملایین.
- حسن‌بگی، علی (شهریور ۱۳۹۶ش)، «جایگاه و نقش باورهای کلامی در نقد حدیث و آسیب‌های آن»، *مطالعات فهم حدیث*، ش۶، صص۱۲۳-۱۴۳.
- حلی، جعفربن حسن (۱۴۰۳ق)، *معارج الاصول*، قم: مؤسسة آل البیت لإحیاء التراث.
- یاقوت حموی، شهاب‌الدین أبی‌عبدالله [بی‌تا]، *معجم البلدان*، ج۱، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ابن‌هشام حمیری [بی‌تا]، *السیرة النبویة*، ج۱، ۲، قم: دار المعرفه.
- خوارزمی، الموفق‌بن احمد البکری المکی الحنفی (۱۴۱۱ق)، *المناقب*، قم: النشر الإسلامی.
- خویی، ابوالقاسم (۱۴۱۰ق)، *معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات رواة*، قم: مرکز نشر آثار شیعه.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۶۳ش)، *لغت‌نامه*، تهران: دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- راد، علی (۱۳۹۰)، *مبانی کلامی امامیه در تفسیر قرآن*، تهران: سخن.
- رازی، ابن‌أبی‌حاتم، عبدالرحمن‌بن محمد (۱۲۷۱ق)، *الجرح و التعدیل*، ج۲، بیروت: دار إحیاء التراث العربی.
- زمخشری، محمدبن عمرو (۱۳۷۳ق)، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*، ج۱، قاهره: [بی‌نا].
- سلیمانی، داود (۱۳۸۵)، *روش‌شناسی نقد و فهم سنت*، تهران: فرهنگ و دانش.
- سنقری حائری، محمدعلی (۱۳۸۱ش)، *چهره‌گشایی دختران امام حسین(ع)*، قم: چاف.
- محلی، جلال‌الدین محمدبن احمد و جلال‌الدین عبدالرحمن‌بن أبی‌بکر سیوطی [بی‌تا]، *تفسیر الجلالین*، بیروت: دار المعرفة.
- صبحی صالح (۱۳۷۷ش)، *علوم حدیث و اصطلاحات آن*، ترجمه و تحقیق عادل نادرعلی، تهران: حج و اوقاف و امور خیریه.
- طباطبایی، سید محمدکاظم (۱۳۹۸ش)، *مبانی شناخت حدیث از دیدگاه فریقین*، قم: دار الحدیث.
- الطبرانی، سلیمان‌بن احمد (۱۴۱۵ق)، *المعجم الکبیر*، ج۴، ۶، قاهره: مکتبة ابن‌تیمیه.
- طبری، محمدبن جریر (۱۴۱۲ق)، *جامع البیان فی تفسیرالقرآن*، ج۱۷، بیروت: دار المعرفة.
- ..... (۱۹۶۱)، *تاریخ الرسل و الملوک*، ج۱، ۲، مصر: دار المعارف.
- طریحی نجفی، فخرالدین‌بن محمد(۱۳۷۵ش)، *مجمع البحرین و مطلع النّیرین*، تهران: مرتضویه.
- ابن‌حجر عسقلانی، احمدبن علی (۱۴۱۵ق)، *الإصابة فی تمییز الصحابة*، ج۲، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- عسکری، سید مرتضی (۱۴۲۵ق)، *احادیث ام‌المؤمنین عایشه*، ج۲، قم: کلیة اصول الدین.
- ..... (۱۳۷۴ش)، *القرآن الکریم و روایات المدرستین*، ج۱، تهران: مجمع العلمی الاسلامی.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-09-09]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.55.5.9]
[DOI: 10.52547/pte.14.55.5]

- ..... (۱۳۸۷ش)، *تهمت‌ها و دروغ پردازی‌ها در کتاب «لله ثم للتاریخ»*، قم: اصول الدین.
- ..... (۱۴۲۶ق[الف])، *خمسون و مائة صحابی مختلق*، ج۱، قم: کلیة اصول الدین.
- ..... (۱۴۱۸ق[الف])، *صلاة ابی‌بکر*، قم: کلیة اصول الدین.
- ..... (۱۴۱۷ق)، *عبدالله‌بن سبا و اساطیر اخری*، ج۱، ۲، تهران: المجمع العلمی الاسلامی.
- ..... (۱۴۱۸ق [ب])، *علی مائدة الکتاب و السنة*، ج۲، ۳، ۷، ۹، ۱۱، ۱۲، ۱۶، تهران: المجمع العلمی الاسلامی.
- ..... (۱۴۲۶ق[ب])، *معالم المدرستین*، ج۱، ۲، ۳، قم: مجمع العالمی لأهل البیت.
- ..... (۱۳۷۸)، *یکصد و پنجاه صحابی ساختگی*، ج۱، قم: دانشکده اصول دین.
- ..... (۱۳۸۲ش)، *نقش ائمه در احیای دین*، ج۱، ۲، تهران: منیر.
- مجتهدی سیستانی، مرتضی (۱۳۹۳ش)، *صحیفه مهدیه*، قم: الماس.
- مجلسی، محمدباقربن محمدتقی (۱۴۰۳ق)، *بحار الانوار*، ج۲، [بی‌جا]: مؤسسة الوفاء.
- مدرسان دانشکده علوم حدیث (۱۳۹۰ش)، *دانش حدیث*، قم: جمال.
- مسعودی، عبدالهادی (۱۳۸۹ش)، *درسنامه فهم حدیث*، ج۱، قم: زائر.
- ..... (۱۳۸۴)، *روش فهم حدیث*، تهران: سمت.
- مسعودی، علی‌بن حسین (۱۳۸۵ق)، *مروج الذهب و معادن الجوهر*، ج۱، بیروت: دار المعرفة.
- مسلم، ابن‌الحجاج أبوالحسن القشیری النیسابوری [بی‌تا]، *الصحیح*، ج۱، ۴، بیروت: دار إحیاء التراث العربی.
- نسائی، احمدبن شعیب (۱۴۲۱ق)، *السنن الکبری*، ج۱، بیروت: مؤسسة الرسالة.
- یعقوبی، احمدبن اسحاق [بی‌تا]، *تاریخ الیعقوبی*، ج۱، ۲، بیروت: دار صادر.

List of sources with English Handwriting

- Quran
- Torah (1839), *translated by Reverend Robinson*, London: Richard Watts.
- Bible, translated by Lamene, Paris: Beta.
- Bible, translated by Robinson, London: Beta.
- Adibilarijani, Mohammad Bagher (1429AH), *Marzdare Maktabe Ahl al-Bayt*, Qom: Faculty of Principles of Religion.
- Aghili, Muhammad bin Amr bin Musa bin Hammad (1404 AH), *al-Dhuafa al-Kabeer*, Beirut: Dar al-Maktabeh Al-Alamiya.
- Al-Baydani, Qasim (1432.H), *Basics of Criticizing Hadith Text*, Qom: Al-Mustafa Al-Alamiya Society.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-09-09]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.55.5.9]
[DOI: 10.52547/pte.14.55.5]

- Asbhani, Abu Naim Ahmad bin Abdullah bin Ahmad (1394 AH), *Haliya al-Awliya and Taqabat al-Asfia*, Egypt: Al-Saadah.
- Askari, Seyyed Morteza (1417 AH), *Abdullah bin Saba and other legends*, Tehran: Al-Majma Al-Alami al-Islami.
- ---------- (1418 .H), *Ala Maeda Al-Kitab Wa Sunnah*, Tehran: Al-Majma Al-Alami al-Islami.
- ---------- (1424 AH), *Al-Astourah al-Sabiyyah*, Qom: International Assembly of Ahl al-Bayt.
- ---------- (1374), *Al-Qur'an al-Karim Wa Riwayat al-Madrasteen*, Tehran: Islamic Scientific Assembly.
- ---------- (2019), *Ayesha's role in the history and hadiths of Islam*, Qom: School of Principles of Religion.
- ---------- (1425 AH), *Hadiths of Umm al-Mu'minin Ayesha*, Qom: All Principles of Religion.
- ---------- (1426 AH), *Khamsun Wa Ma'e Sahabi Mokhtalaq*, Qom: All Principles of Religion.
- ---------- (1426 AH), *Ma'alam al-Madrasteen*, Qom: International Assembly of Ahl al-Bayt.
- ---------- (1378), *one hundred and fifty fictitious Companions*, Qom: School of Principles of Religion.
- ---------- (1418 AH), *Salah Abi Bakr*, Qom: Kolliyeh Usul al-Din,.
- ---------- (1387), *Saqifa*, Qom: Usul al-Din School.
- ---------- (1387), *slanders and falsehoods in the book "Lillah Thomma Tarikh*", Qom: Usul al-Din.
- ---------- (2013), *The Role of Imams in Revival of Religion*, Tehran: Monir.
- Asqlani, Ahmad bin Ali (1415 AH), *Al-Isabah fi Tamiiz alSahabah*, Beirut: Dar al-Kutub Al-Alamiya.
- Beyhaqi, Muhammad bin Ibrahim (1380 AH), *Al-Mahasen and Al-Masawe*, Cairo: Bija.
- Bukhari, Muhammad bin Ismail (1410 AH), *Sahih al-Bukhari*, Misr, Al-Islamiya.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-09-09]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.55.5.9]
[DOI: 10.52547/pte.14.55.5]

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-09-09]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.55.5.9]

[DOI: 10.52547/pte.14.55.5]

- Darmi, Abu Mohammad Abdallah bin Abdulrahman bin Al-Fazl bin Bahram (1434AH), Beirut: Dar al-Bashaer.
- Dehkhoda, Ali Akbar (1363), *Dictionary*, Tehran, Faculty of Literature and Human Sciences.
- Esfahani, Abulfaraj Ali bin Al-Hussein (1415AH), *Al-Aghani*, Beirut: Dar Ihya al-Trath al-Arabi.
- Fathullahi, Ibrahim (2014), Methodology of Hadith Criticism, *two quarterly studies of religious methodology*, No 1, pp. 56-46.
- Hamwi, Yaqut Abi Abdallah bin Abdallah, *Majam al-Baldan*, Beirut: Dar Ihya al-Tarath al-Arabi, Bita.
- Hasan Begi, Ali (2016), The place and role of theological beliefs in the criticism of hadith and its harms, *Hadith understanding studies*, No 6, pp. 143-123.
- Haytami, Abul Hasan Ali bin Abi Bakr (1414AH), *Majma al-Zawaed and Source of Benefits*, Cairo, Al-Qudsi Library.
- Haytami, Ahmad bin Muhammad (1417AH), *al-Sawa'iq al-Muharraqa*, Lebanon, al-Rasalah.
- Hemyari, Ibn Hisham, *Al-Sirah al-Nabawieh*, Qom: Dar al-Marifah, Bita.
- Hilli, Jafar bin Hassan (1403 AH), *Ma'araj al-Asul, Qom*: Al-Al-Bayt Institute for Revival.
- Ibn Abd al-Haq, Al-Murasad Al-Alitilaa Ala AsmaelaMkinata wa Al-Baqaa.
- Ibn Abi al-Hadid (1383), Abd al-Hamid bin Hebaullah, *Commentary on Nahj al-Balagha*, Qom, Murashi Najafi Library.
- Ibn Anas, Malik (1406 AH), *Al-Muta*, Beirut, Dar Ahyaya al-Tarath al-Arabi.
- Ibn Asaker, Ali ibn al-Hassan (1415 AH), *History of Damascus*, Dar al-Fakr.
- Ibn Athir, Ali Ibn Muhammad (1415AH), *Asdal Ghabah fi Ma'rifah Sahabah*, Beirut: Dar al-Kutb al-Alamiya.
- ---------- (1417 AH), Al-Kamel fi al-Tarheeh, Beirut, Dar al-Kitab al-Arabi.
- Ibn Faris, Ahmad (1411AH), *Mujam Maqais al-llogheh*, researcher: Abdussalam, Haroun, Beirut: Dar al-Jeel.
- Ibn Hanbal, Ahmad bin Muhammad (1421 AH)*, Fadael al-Sahhabah*, Beirut: Al-Rasalah.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-09-09]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.55.5.9]

[DOI: 10.52547/pte.14.55.5]

- Ibn Hanbal, *Mosnad*, Beirut: Al-Rasalah,.
- Ibn Hanbal, *selected from the treasure of the people in Sunan al-Aqwal and al-Aqal*, Bhamsheh Musnad Hanbal, bija; bita.
- Ibn Hazm, Ali bin Ahmad, *Al-Mohala Bil-Athar*, Beirut: Dar al-Fakr, Bita.
- Ibn Juzi, Yusuf bin Ghazaughli (1418 AH), *Tadhkirata Khawas al-Umma*, Qom: al-Sharif al-Radi.
- Ibn Majah, Abu Abdullah Muhammad bin Yazid al-Qazwini, *Al-Sunan al-Kubari*, Beirut: Dar ihiya al-Kutub al-Arabiyya, Bita.
- Imani, Muhaddith and others (2019), shortcomings and merits of textual criticism of hadiths in the works of Allameh Askari, *Hadith Understanding Studies*, No 2, pp. 217-237.
- Jazri, Mubarak bin Muhammad (1367), *Al-Nahaye fi Gharib al-Hadith and Al-Athar*, Qom: Ismailian Institute.
- Johari, Abu Nasr Ismail bin Hammad (1407 AH), *Sahaha Tajul Lagha and Sahaha Al-Arabiyya*, Beirut.
- Jozi, Abd al-Rahman bin Ali (1386 AH), *al-Ubaat, al-Madinah*, al-Maqabah al-Salfiyyah.
- Khaarazmi (1411AH), al-Muwaffaq ibn Ahmad al-Bakri al-Makki al-Hanafi, *al-Manaqib*, al-Nashar al-Islami.
- Khoei, Abu al-Qasim (1410AH), *Mujam Rijal al-Hadith and tafsilo tabaqato rowat*, Qom: Shia Works Publishing Center.
- Majlesi, Muhammad Baqir bin Muhammad Taqi (1403AH), *Bihar al-Anwar*, Al-Wafa Institute.
- Manqari, Nasr bin Muzahm(1404 AH), *Waqqato Seffin*, Qom: Al-Marashi Al-Najafi School.
- Masoudi, Abdul Hadi(2014), *Rosh Fahm Hadith*, Tehran: Samt.
- ---------- (1389), *Textbook of Understanding Hadith*, Qom: Zaer.
- Masoudi, Ali bin Hossein(1385AH), *History of Masoudi*, Beirut: Dar al-Marafa.
- Mehrizi, Mahdi and others (2013)*, the rules of identification of Hadiths of Sirah among the Fariqin*, Research Journal of Comparative Hadith Sciences, pp. 53-33.
- Mojtahedi Sistani (2013), Morteza, *Sahifa Mahdiyeh*, Qom: Almas.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-09-09]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.55.5.9]

[DOI: 10.52547/pte.14.55.5]

- Motaghi al-Hindi(1401AH), Ali bin Hossam al-Din, *Kanz al-Umal fi Sunan al-Aqwal wa al-Afaal*, Beirut: Al-Rasaleh.
- Motahari, Morteza(1380), *Seiri Dar Sire Nabavi*, Tehran: Sadra Publications.
- Muslim, Ibn al-Hajjaj Abu al-Hassan al-Qashiri al-Nisaburi, *al-Saheeh*, Beirut, Dar ihaya al-traath al-arabi, Bita.
- Nasa'i, Ahmad bin Shuaib (1421 AH), *Al-Sunan al-Kubara*, Beirut: Al-Rasalah Institute.
- Nawaji, Muhammad bin Hasan bin Ali (1403 A.H), *al-Shifa fi Badi al-Iktafa*, Beirut: al-Hayyah.
- Ostadi, Reza (1379), *a response to intellectual challenges in the discussion of imamate and infallibility*, Marafet.
- Rad, Ali (2018), *Theological foundations of Imamiya in the interpretation of the Qur'an*, Tehran: Sokhn.
- Ragheb Esfahani, Hossein bin Muhammad(1412AH), *al-Mufardat fi Gharib al-Qur'an*, Beirut: Dar al-Shamiya.
- Razi, Ibn Abi-Hatam Abd al-Rahman ibn Muhammad(1271AH), *Al-Jarh and Al-Mudham*, Beirut.
- Sadouq, Muhammad Bin Ali (1378 AH), *Akhbar Al-Reza*, Tehran: Jahan Publication.
- Samhoudi Shafi'i, Ali bin Abdullah (1415 A.H), *Javaher al-Aqdeen fi Fazl al-Shorfin*, Beirut: Dar al-Kutb al-Alamiya.
- Sanqari Hairi, Muhammad Ali (1381), *The Faces of the Daughters of Imam Hussein (AS),* Qom.
- Siyuti, Abd al-Haman bin Abi Bakr, Mahali, Jalal al-Din, *Tafsir al-Jalalin*, Beirut: Dar al-Marafa.
- Sobhi Saleh(1377), *Science of Hadith and Its Terms*, Tehran: Hajj and Awqaf and Charity Affairs.
- Soleimani, Dawud(1385), Criticism Criteria in Hadith*, Islamic Journal*, No. 3, pp. 63-74.
- ---------- (1385), *Methodology of Criticism and Understanding Sunnah*, Tehran: Farhang va Danesh.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-09-09]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.55.5.9]

[DOI: 10.52547/pte.14.55.5]

- Tabarani, Suleiman bin Ahmad(1415AH), *Al-Mu'jam al-Kabir*, Cairo: Ibn Taymiyyah Library.
- Tabari, Muhammad bin Jarir (1412 AH), *Jami al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an*, Beirut: Dar al-Marafa.
- ---------- (1961)*, Tarikh al-Rasl Wal Moluk*, Egypt: Dar al-Maarif.
- Tabarsi, Ahmed bin Ali (1386 AH), Protest, *Al-Najaf,* Al-Numan Publication,.
- Tabatabaei, Seyyed Mohammad Kazem (2018), *The Basics of Hadith Recognition from the two denomination's Point of View*, Dar Al-Hadith.
- Tareehi Najafi, Fakhreddin bin Mohammad (1375), *Majma Al-Baharin and Tahir Al-Nayirin*, Tehran: Mortazawieh.
- Teachers of Faculty of Hadith Sciences (1390), *Hadith Science*, Qom:Jamal.
- Yaqoubi, Ahmad bin Ishaq, *Tarikh Al-Yaqoubi*, Dar Sadir, B.T.A.
- Zamakhshari, Muhammad bin Amr (1373 AH), *Al-Kashf on the facts of Ghwamaz al-Tanzil*, Cairo.
- Zarinkoub, Abdul Hossein (1387 AH)*, Karnameh Islam*, Tehran: Amir Kabir Publications.

[DOI: 10.52547/pte.14.55.5] [DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.55.5.9] [Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-09-09]